

پرسش

ویژه‌نامه اندیشه و علوم انسانی روزنامه اصفهان زیبا/ شماره نهم/ ۴ دی ۱۳۹۶

به مناسبت ۴ دی، سالروز شهادت حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

این مردم عمیقاً آزادی خواه هستند

۲۰



سخن اول

او غرب‌رامی شناخت

موريس پرنو، جهانگرد فرانسوی در سال ۱۹۲۵ و در زمان حکومت سردار سپه سفری به آسیا داشت. سفرنامه حاصل از این سفر شامل دو مجلد قطور است که جلد اول آن «در روی جاده هند» و جلد دوم آن «در آسیای مسلمان» نام دارد. کتاب «در زیر آسمان ایران» برگرفته از این دو مجلد و مربوط به ایران است.

موريس پرنو همانطور که خود در کتابش می نویسد در سفرش به اصفهان، دیداری نیز با آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی داشته است. پرنو این گونه نوشته است: «یک روز صبح زود به منزل حاج آقا نورالله که به افتخار من در ایوان پرگل خود چند تن را گرد آورده بود دعوت شدم. حاج آقا نورالله مسافرت های دراز و مطالعات بسیار کرده بود. او غرب رامی شناخت بی آنکه آن راه دیده ستایش بنگرد. مقصود من از ملاقات او این بود که از طرز فکریک روح آزاده و کنجگاو در قبال عقاید و آداب مذهبی شرق اطلاع یابم. من این موضوع را با تذکر تعریف مشهوری از نبوغ ایرانی که مانند صخره ای سخت و یابرجاست و از همه طرف در معرض هجوم بادها و غریق در تمام طوفان هاست؛ ولی هرگز متلاشی و خرد نمی گیرد طرح کردم. [اومی گفت] جوانان امروز ماخلیلی مذهبی نیستند و همچنین خیلی روح فلسفی ندارند. از طرف دیگر عقاید و رفتار اروپایی چیزی که مناسب حال آنها باشد به آنها یاد نمی دهد. نه مذهب استدلالی آگوست کونت و نه ایده آلیسم آلمان ها و نه مکانیسم انگلوساکسون ها تشنگی روح ایرانی را سیراب نمی کنند.

اما ایرانی ها چه احتیاجی به داشتن یک فلسفه به خصوص دارند؟ برای ایجاد یک آیین اخلاقی مگر ایرانی ها گنجینه اشعار خود را ندارند؟ این اشعار برای تمام حوائج روح آنها کافی است و در این اشعار تمام دستورات لازم جهت تنظیم روابط خود با خدا و خلق را به طور شایسته خواهند یافت. این آخرین کلمات این دانشمند بود.»

آنچه بیش از هر چیزی در این متن توجه امروز ما را به خود جلب می کند؛ این جمله است: او غرب رامی شناخت بی آنکه آن راه دیده ستایش بنگرد. درست است که در آن زمان فلسفه های غربی در ایران حتی ترجمه نشده بود اما غرب باطن و جوهری دارد که با وجدان آن به صورت اجمالی می توان غرب را شناخت. شناخت حاج آقا نورالله از غرب، چنین شناختی بوده است. همین درکی که از گنه ذات غرب برای حاج آقا پدید آمده، سبب شده که او بدون دیده ستایش به غرب بنگرد. پس در یک کلام رهبر مشروطه اصفهان نه از غرب نا آگاه است و نه از دستاوردهای آنان خود را دور نگه می دارد؛ بلکه دیدگاهی اعتدالی در نسبت با غرب دارد که در آن صحبت از استخدام و بهره گیری است و نه تقلید و شیفتگی. 🇮🇷

پرسش از + شخصیت

حاج آقا نورالله در نگاه مورخان

حاج آقا نورالله؛ ۴۰ سال مبارزه با استعمار

نوعی از سبک زندگی هستند که بدون ورود به ریاضت اقتصادی، دست بیگانگان را از اقتصاد کشور کوتاه کند. و نهائیا اینکه متوجه خطر اعتیاد در خانواده ها و جوامع هستند.

پس از انتشار اعلامیه ۵ ماده ای، سایر علمای معروف اصفهان نیز اعلامیه ای مبنی بر هوراهی با موارد یاد شده صادر کردند. این ۵ ماده بر دیوار مساجد نصب شد و روحانیون نیز بر منابر به ترویج آنها پرداختند در نتیجه مردم به پیروی از ایشان از خرید اجناس خارجی خودداری کردند. همچنین حاج آقا نورالله از تاجار داخلی خواستند: «حساب خود را با خارج تصفیه کنند؛ زیرا

این اقدام، اقدامی وطن خواهانه است» این اقدامات مأموران تجاری غربی را به وحشت انداخت که مبادا علمای شهرهای دیگر نیز به اصفهان تاسی کرده و از استعمال و فروش امتعه خارجی جلوگیری و مردم متدین هم امنیت خارجی ها را سلب کنند.

از این رو، دولت ایران را برای مقابله با اعلامیه ها و بازتاب آنها تحت فشار قرار دادند.

از آن جمله، جارلر مارلنیک نامه ای به مشیرالدوله صدر اعظم وقت نوشت و در آن صریحا اظهار داشت که: «از قراری که جنرال قنسلول انگلیس اظهار می دارد، هنوز تاجار ایرانی جرات نمی کنند که به طور وضوح و با آزادی مثل سابق با اروپا معامله کنند» تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۱۲۱

فعالیت های سیاسی واجتماعی بزرگان اصفهان از جمله حاج آقا نورالله در آن دوران بسیار گسترده تر از آن است که در این مجال بتوان به بیان آنها پرداخت؛ اما به نظر می رسد لازم است با تأمل در شرایط کنونی جامعه ایران، از خودمان برسیم که چرا این اقدامات ادامه نیافتند و هنوز پس از گذشت بیش از یک قرن از تلاش های این بزرگان به منظور رسیدن به استقلال اقتصادی، شاهد ثمرات آن نیستیم.

منابع

تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، مصلح الدین مهدوی، الهادیه، ۱۳۶۷

ده نفریشتناز، ابراهیم صفایی، انجمن

تاریخ، ۱۳۵۱

قیام آیت الله حاج آقا نورالله نجفی

اصفهانی، اسدالله رسا، موسسه مطالعات

تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴

حکم نافذ آقا نجفی، موسی نجفی، موسسه

مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰

اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج

آقا نورالله اصفهانی، موسی نجفی، موسسه

مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴ 🇮🇷

حاج شیخ
نورالله نجفی
اصفهانی
از جمله
مصلحان
اجتماعی
اواخر دوره
قاجار
است

به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذ های دیگر نویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی شویم. ماها به این روش متعهدیم.

ثانیا کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه های دیگر ایرانی باشد، متعهد شده ایم بر آن میت، ماها نماز نتوانیم. دیگری را برای اقامه صلوه بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثا ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته پوشیده می شود، قرار دادیم همما امکن، هر چه بدلی در ایران یافت می شود، لباس خودمان را از آن منسوخ نماییم و منسوخ غیر ایرانی را نپوشیم و احتیاط نمی کنیم و حرام نمی دانیم لباس های غیر ایرانی را. اما ماها ملزوم شده ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از منسوخ ایرانی ننماییم. تابعین ماها نیز کذلک و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد. آنچه از سابق پوشیده

و داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن. رابعا مهممانی ما بعد ذلک ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد: یک پلو و یک خورش و یک افشره. اگر زاید بر این کسی تکلف دهد، ماها را به محضر خود وعده نکیرد. خودمان نیز به همین روش همما می نماییم. هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامسا و افوری، اهل و افورا احترام نمی کنیم و به منزل او نمی رویم؛ زیرا که آیات باهره: «إن المبذرين كانوا إخوان الشیاطین» «و لاتسرفوا انه لا یحب المسرفین» «و لاتلقوا بآیدیکم الی التهلکه» و حدیث «لا ضرر و لا ضرار» ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است و خانواده ها و ممالک را به باد داده. بعد از این هر که را فهمیدیم و افوری است، به نظر

توهین و خفت می نگریم. « (حکم نافذ آقا نجفی، ۱۸۵-۱۸۴)

به نظر می رسد بررسی دقیق تر این اعلامیه برای جامعه ای امروز ما هم راهگشا باشد.

از این رو به ذکر چند نکته می پردازیم. نخست اینکه علما در گام اول و به منظور تحریم کالاهای خارجی، امر را بر مردم سخت نمی گیرند و حکم به حرمت مصرف این کالاهای نمی دهند؛ بلکه می گویند ما چنین عمل نمی کنیم تا به تدریج این فرهنگ در جامعه نهادینه شود.

دیگر اینکه با اشاره به مواردی از قبیل قباله های شرعی، کفن اموات، ملبوسات و برگزاری مجالس مهمانی در جهت ترویج



زمینه اقتصادی کشورهای روس و انگلیس با تاسیس موسسات تجاری مانند بانک، تجارت خانه، صراف خانه و همچنین واردات کالاهای خارجی از جمله انواع پارچه، بلور، دارو و حتی کاغذ، نظام اقتصادی کشور را تحت سیطره خود گرفته بودند. در توضیح عواقب این پدیده لازم است اشاره کنیم که حوزه های اقتصاد، فرهنگ و سیاست روابط دو سو به دارند و استقلال سیاسی و فرهنگی در گرو استقلال اقتصادی است. به همین دلیل تسلط بیگانگان بر امور اقتصادی تنها به این حوزه محدود نخواهد شد و همانطور که در تاریخ کشورهای جهان سوم مشهود است، به عرصه های فرهنگی و سیاسی نیز وارد خواهد شد.

علاوه بر تلاش دولت های غربی برای نفوذ همه جانبه در ایران، مسئولان حکومتی هم بدون توجه به پیامدهای این نفوذ و به دنبال کسب سود شخصی، با رشوه گیری از این موسسات، به پیشرفت آنها کمک می کردند؛ اما در این بین برخی علمای دینی مانند حاج آقا نورالله متوجه عواقب وابستگی نظام اقتصادی کشور به بیگانگان بودند و بدین منظور دست به اقداماتی جهت مقابله با جریان استعماری زدند که از آن جمله می توان به تاسیس شرکت های تجاری از جمله شرکت اسلامی، شرکت اخوت، شرکت مسعودیه و... اشاره کرد. عمده فعالیت این شرکت ها در زمینه صنایع پارچه بافی و قالی بافی و ترویج منسوجات و ملبوسات ملی داخلی بود. ذکر این نکته لازم است که این شرکت های تازه تاسیس امکان رقابت با کالاهای خارجی را نداشتند و کیفیت بهتر و قیمت مناسب تر اجناس خارجی موجب می شد مردم همچنان اقدام به خرید آنها کنند که در نتیجه آن کارگران ایرانی بیکار می شدند و ماحصل بیکاری، فقر عمومی خواهد بود. پس علما راه چاره را در تحریم خرید و مصرف کالاهای خارجی دیدند و با استفاده از علاقه مردم به دین و علمای آن، آنها را به همراهی ترغیب کردند.

در این راستا، در اواسط جمادی الاول ۱۳۲۴ ق و در آستانه مهاجرت علمای تهران به قم (مهاجرت کبری) اعلامیه ای پنج ماده ای توسط علمای طراز اول اصفهان از جمله آقا نجفی اصفهانی، حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، آیت الله ابوالقاسم دهکردی، شیخ مرتضی ریزی، میرزا محمد تقی مدرس، سید محمد باقر بروجردی، میرزا محمد مهدی جویباره ای، محمد حسین فشارکی، آقا محمد جواد قزوینی و رکن الملک شیرازی و... به شرح زیر صادر شد: «والا قبالجات و احکام شرعیه، از شنبه

با نگاهی هر چند اجمالی به تاریخ کشورمان متوجه خواهیم شد که همیشه بزرگ مردانی بوده اند که با بذل جان و مال خود در راه اعتلای این کشور قدم برداشته اند؛ اما بسی جای تاسف است که بسیاری از مردم این کشور حتی نام این بزرگان را هم نشنیده اند در حالی که آشنایی با خدمات و فعالیت های آنها موجب رشد افکار عمومی و پویایی نخبگان خواهد شد. به همین سبب لازم است در معرفی هر چه بیشتر این بزرگان بکوشیم. به تعبیر مرحوم رسا؛ «تعریف و توضیح در مورد شخصیت دانشمندان و وطن پرستان و ابراز حس تقدیر نسبت به آنها، باعث می شود که ماشین ایجاد و پرورش مردان با شهامت به کار بیفتد و در نتیجه اوضاع کشور بهبود یابد. (قیام آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، ۶۷) از این رو، در ادامه به معرفی حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی می پردازیم.

حاج شیخ نورالله نجفی اصفهانی (۱۲۰۶-۵۱۲۴.ش) رهبر مشروطه خواهان اصفهان و از جمله مصلحان اجتماعی اواخر دوره قاجار است که بیش از ۴۰ سال از عمر خود را صرف مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی کرده است. وی در جوانی برای تحصیل علوم دینی از اصفهان به سوی نجف و سامرا رهسپار شد و از محضر استادانی همچون مرحوم آیت الله حاج میرزا حبیب الله رشتی و مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای شیرازی) بهره برد. ایشان پس از وصول به مقام اجتهاد، در سال ۱۳۰۰ هجری قمری به ایران مراجعت کرد و به فعالیت های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پرداخت. ابراهیم صفایی شروع فعالیت های سیاسی حاج آقا نورالله را در همراهی با برادر بزرگ ترش آقا نجفی برای مقابله با قرارداد رژی و حکم به تحریم دخانیات می داند و در توصیف

ایشان می گوید: «شیخ نورالله در مجالس موعظه و خطابه، روشنفکرانه و همچنین با بیانی ساده و گیرا به طرح مسائل اجتماعی و سیاسی می پرداخت. وی پس از بیان نیازهای مادی و روحی جامعه، به چگونگی برآوردن آن نیازها توجه می کرد. به همین دلیل افکار توده های مردم را متوجه خود نمود و دارای مرجعیت شد. در عرصه عمل هم طرفدار عدالت و حامی حقوق طبقه مظلوم بود.» (ده نفریشتناز، ۱۴۰)

همان طور که گفتیم یکی از مواضع فعالیت های حاج آقا نورالله مبارزه با استعمار خارجی بود. این استعمار از جنبه های گوناگونی بر کشور سایه انداخته بود. مثلا در

عاطفه
نظارتی زاده

شروع
فعالیت های
سیاسی حاج
آقا نورالله
برای مقابله با
قرارداد رژی و
حکم به تحریم
دخانیات
بود